

کد رهگیری ثبت پروپوزال: ۱۰۷۲۵۹۸

کد رهگیری ثبت پایان نامه:





کلیه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا یا استاد راهنمای پایان‌نامه و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. درج آدرس‌های ذیل در کلیه مقالات خارجی و داخلی مستخرج از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها الزامی می‌باشد.

....., Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقالات خارجی

..... گروه ..... دانشکده .....، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقالات داخلی



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی تطبیقی حکایات گلستان با حکایات کنتربری از جهت ساختار و محتوا

استاد راهنما:

دکتر محمد طاهری

استاد مشاور:

دکتر محمد آهی

نگارش:

مصطفی مرتضائی کمری

۲۵ شهریور ۱۳۹۲

تقدیم بہ:

پدر و مادر عزیزم

و استاد ارجمندم جناب آقای

دکتر محمد طاهری

بہ پاس تمامی محبت ہائیشان

# پاسکزاری

حمد و سپاس خداوندی را که مرا با تمام مشکلات موجود در جمع آوری این پایان نامه یاری نمود.  
در ابتدا از زحمات بی دریغ دکتر محمد طاهری، که راهنمایی این پایان نامه بر عهده ایشان بوده است و در طول  
انجام این تحقیق با حوصله فراوان، راهنمایی کرده است، کمال تشکر و قدردانی را دارم.  
همچنین از زحمات بی شائبه ی دکتر محمد آهی که مشاوره این پایان نامه را تسهیل کرده و در طول انجام این  
تحقیق کلم کرده است، قدردانی می کنم.

در پایان از زحمات بی دریغ استادان گران قدر:

دکتر اسماعیل شفق، دکتر مهدی شریفیان، دکتر قمران شیری، دکتر علی محمدی، دکتر لیلا هاشمیان، دکتر نجمه  
نظری، که در دوران تحصیل در دانشگاه همواره مرا کمک کرده اند، تشکر می کنم.

با تشکر

مصطفی مرتضایی کمری



دانشگاه بوعلی سینا

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان:

بررسی تطبیقی حکایات گلستان با حکایات کنتربری از جهت ساختار و محتوا

نام نویسنده: مصطفی مرتضائی کمری

نام استاد راهنما: دکتر محمد طاهری

نام استاد مشاور: دکتر محمد آهی

گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

گرایش تحصیلی: -

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

تعداد صفحات: ۱۲۷

تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۰۶/۲۵

تاریخ تصویب (پروپوزال): ۱۳۹۱/۱۱/۱

چکیده

ادبیات تطبیقی به عنوان شاخه ای از نقد ادبی و نیز علمی پویا و متحول، حیاتش را از اروپا و سپس آمریکا آغاز کرد و بعد از آن به ایران راه پیدا کرد. در ابتدای شکل گیری این علم در ایران به مسایل کلی آن پرداخته می شد، اما بعدها مسیر اصلی خود را پیدا کرد و در زمینه تطبیق ادبیات فارسی با ادبیات سایر ملل هم مطالعاتی انجام پذیرفت. در پایان نامه حاضر به بررسی ادبیات تطبیقی و تاریخچه آن در ایران و جهان، زندگی نامه، آثار مورد مقایسه، ویژگی سبکی، زمانه زندگی و جایگاه ادبی، طنز، تلمیح، ایجاز و اطناب، آموزه های تعلیمی دو شاعر پرداخته شده است. در این مقایسه، طی گزینش و تشریح برخی از ویژگی های محتوایی و ساختاری مانند: طنز، تلمیح، ایجاز و اطناب و... که در گستره آثار سعدی و چاسر، کاربرد فراوان داشته است؛ چنین نتیجه گیری شده است که در آثار این دو نویسنده، شباهت های معنایی و محتوایی قابل توجهی وجود دارد، که تعدادی از این شباهت ها به شرح ذیل می باشند: ۱- گلستان سعدی جزء آثاری است در آن روش ایجاز به کار گرفته شده است، اما حکایات کنتربری جزء آثاری است که در آن روش اطناب به کار گرفته شده است. ۲- استفاده دو شاعر از حکایات تو در تو ۳- بهره گیری دو نویسنده از طنز برای تاثیر گذاری آثار خود در میان خوانندگان: این مورد از بارزترین وجوه اشتراک دو شاعر است که به طرق مختلف از طنز بهره جسته اند. ۴- استفاده دو شاعر از تلمیح های مذهبی در آیین و مذهب خود: سعدی از قرآن، کتاب دینی و مقدس مسلمانان، و چاسر از انجیل و تورات، کتاب دینی و مقدس مسیحیان. ۵- بهره بردن دو نویسنده از آموزه های تعلیمی برای تعلیم و هدایت مردم به راستی و صداقت.

واژه های کلیدی: سعدی، چاسر، گلستان، کنتربری، بررسی تطبیقی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- فصل اول: طرح پژوهشی
۳	۱-۱- مقدمه
۴	۱-۲- بیان مساله
۵	۱-۳- سابقه انجام پژوهش
۶	۱-۴- فرضیه‌های پژوهش
۶	۱-۵- اهداف پژوهش
۶	۱-۶- روش انجام پژوهش
۱۰	۲- فصل دوم: کلیات پژوهش
۱۱	۲-۱- ادبیات تطبیقی
۱۳	۲-۲- عوامل موثر در انتقال ادبیات از زبانی به زبان دیگر
۱۳	۲-۳- تفاوت مقایسه با تطبیق
۱۴	۲-۴- موضوع ادبیات تطبیقی
۱۵	۲-۵- ویژگی‌های ادبیات تطبیقی
۱۵	۲-۶- هنجارهای بنیادین ادبیات تطبیقی
۱۶	۲-۷- اهمیت پژوهش‌های تطبیقی
۱۷	۲-۸- حوزه‌های ادبیات تطبیقی
۱۷	۲-۹- تاریخچه مطالعات ادبیات تطبیقی در جهان
۱۹	۲-۱۰- ادبیات تطبیقی در ایران
۲۱	۲-۱۱- سابقه‌ی پژوهش‌های تطبیقی در مورد سعدی
۲۶	۳- فصل سوم: تبیین پژوهش
۲۷	بخش نخست: سعدی
۲۷	۳-۱- نگاهی به احوال و آثار و زمانه‌ی سعدی
۳۰	۳-۲- دلایل شهرت سعدی
۳۱	۳-۳- گلستان
۳۳	۳-۴- سبک نثر در زمان سعدی
۳۷	۳-۵- شخصیت‌های داستانی در گلستان
۳۸	۳-۶- تأثیر سعدی از عربی



۳۹	بخش دوم: جفری چاسر
۳۹	۳-۷-نگاهی به احوال جفری چاسر
۴۲	۳-۸-اوضاع انگلستان در ایام زندگانی چاسر
۴۴	۳-۹-زبان شعری چاسر و جایگاه زبان لاتین در آثارش
۴۵	۳-۱۰-فرم شعری جفری چاسر
۴۶	۳-۱۱-دوران شعری جفری چاسر
۴۶	۳-۱۲-چاسر و بوکاچیو
۴۷	۳-۱۳-جهان چاسر
۴۷	۳-۱۴-داستان های کانتربری
۵۲	۳-۱۵-پیش گفتار داستان های کانتربری
۵۸	۳-۱۶-جایگاه چاسر در ادبیات انگلستان و نظرات دیگران درباره ی او
۶۴	۴=فصل چهارم:تحلیل و استنباط
۶۵	بخش نخست: بررسی تطبیقی از لحاظ ساختاری در دو کتاب
۶۵	۴-۱-معرفی کلی دو کتاب
۶۷	۴-۲-صفحات دو کتاب
۶۸	۴-۳-بررسی تطبیقی از لحاظ ایجاز و اطناب
۶۸	۴-۴-کوتاه ترین و بلندترین حکایات دو اثر
۶۹	۴-۵-حکایات تودر تو
۶۹	بخش دوم: بررسی تطبیقی از لحاظ محتوایی
۶۹	۴-۶-آموزه های تعلیمی سعدی
۸۰	۴-۷-آموزه های تعلیمی در قصه های کنتربری
۸۸	۴-۸-طنز و انتقادات اجتماعی در آثار دو شاعر
۸۹	۴-۹-جلوه های گوناگون طنز و انتقادات اجتماعی در گلستان
۹۳	۴-۱۰-جلوه های طنز و انتقادات اجتماعی در قصه های کنتربری
۱۰۳	۴-۱۱-تلمیحات مذهبی دو کتاب
۱۰۳	۴-۱۲-تلمیح های قرآنی سعدی در گلستان
۱۰۸	۴-۱۳-تلمیح های مذهبی چاسر در حکایات کنتربری
۱۲۰	۵-فصل پنجم:نتیجه گیری
۱۲۴	منابع

# فصل اول

طرح پژوهشی

ادبیات تطبیقی یا ادب تطبیقی (Comparative literature) که در زبان عربی به آن ادبالمقارن گویند، عبارت است از: «پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد ادب در گذشته و حال، و به‌طور کلی، اراییه‌ی نقشی که پیوندهای تاریخی در تأثیر و تأثر داشته است؛ چه از جنبه‌های اصول فنی در انواع مکاتب ادبی، و چه از دیدگاه جریان‌های فکری. کار ادبیات تطبیقی فقط سنجش ادبیات دو ملت نیست، بلکه هدف آن بررسی پیوندهای ادبی میان ملت‌هاست. پژوهشگری که در این عرصه فعالیت می‌کند، همانند کسی است که در مرز میان دو یا چند ملت می‌نشیند و دادوستدهای ادبی فرهنگی میان آنان را ثبت و بررسی می‌کند.

ادبیات تطبیقی، در کلیه زمینه‌هایی که در ارتباط با طبیعت موضوعات و مواضع اشخاص قرار می‌گیرد، و صورت یک بیان ادبی پیدا می‌کند بحث می‌کند و به بررسی ساخت‌های هنری هر اثر و یافتن افکار جزئی در ایجاد یک اثر ادبی می‌پردازد. در ادبیات تطبیقی، انواع ادبی، که مختص بعضی از ملت‌هاست و انعکاس آن را در ادبیات سایر ملل می‌بینیم، تحقیق می‌شود.» (غنیمی، ۱۳۷۳: ۳۲)

به عبارتی دیگر، ادبیات تطبیقی عبارت است از: بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت‌های دیگر، بررسی چگونگی این ارتباط و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر. همچنین بررسی این که این ادبیات چه چیزهایی را از ادبیات سایر ملل وام گرفته و چه چیزهایی به آن‌ها بخشیده است. بر این اساس پژوهش در ادبیات تطبیقی، بیانگر انتقال ادبیات یک ملت به ادبیات ملتی دیگر است. این انتقال می‌تواند در زمینه‌ی واژه، موضوع، قالب‌هایی که موضوعات ادبی در آن‌ها اراییه‌ی می‌شود، شکل‌های هنری بیان ادبیات هم چون قصیده، قطعه، رباعی یا داستان، نمایش نامه، مقاله و... باشد. حد فاصل میان دو ادبیات در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، زبان است. تفاوت زبان، در اثر ادبی شرط انجام پژوهش‌های تطبیقی در مورد آن‌هاست. آثار ادبی که به یک زبان نوشته شده‌اند، از چارچوب پژوهش‌های ادبیات تطبیقی خارج می‌باشند؛ هرچند که متأثر از هم باشند. «پس شرط نخست در مورد ادبیات تطبیقی آن است که، مقایسه، میان آثاری صورت بگیرد که به زبان‌های گوناگون نوشته شده باشند، در غیر این صورت این مطالعات از چارچوب پژوهش‌های ادبیات تطبیقی خارج می‌گردد.» (ندا، ۱۳۸۰: ۱۳۱)

## بیان مساله

قصه‌های کتبربری مجموعه داستان‌هایی در قالب حکایت به قلم جفری چاسر، نویسنده و شاعر انگلیسی سده چهاردهم میلادی است. دومورد از این حکایات به نثر و مابقی به نظم هستند. چاسر در حدود سال ۱۳۴۰ م. در لندن متولد شد. به سال ۱۳۵۹ م. در نهضتی که در فرانسه پدید آمد، شرکت جست و در ۱۳۶۶ م. به مدت ده سال در ماموریتی سیاسی در ایتالیا، فلاندر (در بلژیک امروزی)، فرانسه و لمبادی خدمت کرد و پس از این که مدتی دیگر وقت خود را صرف کارهای دولتی کرد، روی به جانب ادبیات آورد و هشت کتب مفصل ادبی تألیف کرد و اشعاری فراوان سرود. چاسر در سال ۱۴۰۰ در ۵۷ سالگی درگذشت. مهمترین اثر او قصه‌های کتبربری، احتمالاً در اواخر دهه‌ی هشتاد قرن چهاردهم و اوایل دهه‌ی نود همان قرن تألیف شده است. غرض وی فراهم آوردن مجموعه‌ای از قصه و حکایت به روایت گروهی سی نفره از زائرانی بود که عازم سفری چهار روزه از ساوث وارک (محل ای در لندن) به سوی بقعه‌ی سن توماس بکث در ولایت کتبربری بودند و قرار بود در این سفر هر یک از زائران برای همراهانشان چهار قصه تعریف کند، اما چاسر تنها موفق به تکمیل یک پنجم این برنامه شد. کاری را هم که انجام داد در وضعیتی مملو از آشفتگی به حال خود رها کرد. با این وجود، کتاب سرشار از حیات و تحرک است و در زمره‌ی شاهکارهای ادبیات جهان قرار دارد. (چاسر، ۱۳۸۹: ۹ - ۳۵)

این کتاب مشابهت‌های زیادی با گلستان هم از نظر قالب و هم از حیث محتوا دارد و نویسنده آن نیز همچون سعدی شاعری توانا و نثرنویسی متبحر بوده است و از آن جا که تاکنون این دو اثر از منظر نقد تطبیقی مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بررسی تطبیقی آن‌ها لازم می‌نماید.

## سوالات اصلی:

- ۱- آیا گلستان سعدی و قصه‌های کتبربری از حیث قالب و محتوا قابل مقایسه و تطبیق می‌باشند؟
- ۲- آیا جایگاه ادبی چاسر در ادبیات انگلیسی قابل مقایسه با جایگاه سعدی در ادب فارسی است؟

سوالات فرعی:

۱- آیا جفری چاسر در کتاب خود مانند سعدی اهداف تعلیمی را مد نظر قرار داده است؟

۲- آیا تشابهات محتوایی و ظاهری دو کتاب گلستان و قصه های کنتربری به علت زمینه های مشابه اجتماعی بوده است؟

۳- آیا جفری چاسر در کتاب خود مانند سعدی تلمیحات مذهبی را مد نظر قرار داده است؟

**سابقه انجام پژوهش:**

سابقه‌ی مطرح شدن مقوله‌ی ادبیات تطبیقی به عنوان یک علم به اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی می‌رسد. در ابتدای این قرن تاثیرات متقابل فرهنگی شرق و غرب بسیار هدف بحث و مطالعه قرار گرفت و اندک اندک به تکامل رسید. در ابتدای قرن نوزدهم که هنوز ادبیات تطبیقی شکل نگرفته بود، ادبیات خارجی در بعضی از شهرهای فرانسه مانند مارسه، لیون و پاریس تدریس می‌شد و ادبیات تطبیقی هم تحت لوای ادبیات خارجی بی آن که نامی از آن برده شود، بیان می‌شد. در این ایام سه نفر در راس ادبیات تطبیقی قرار داشتند: کلود فوری یل، ژان ژاک آمپر و فرانسوا ویلمن. اصطلاح «ادبیات تطبیقی» برای اولین بار توسط ویلمن به هنگام تدریس ادبیات خارجی در سال ۱۸۲۸ دانشگاه سوربن به کار رفت. در اواخر قرن نوزدهم چندین اثر تطبیقی مهم ارائه شد و این آثار نیز، پژوهش‌های دیگری را سبب شد تا این که در اوایل قرن بیستم، با گشایش رسمی درس‌های این رشته نوپا و با ارائه رساله‌های ارزشمند، هویتی مستقل یافت. فرانسه پیشگام این علم است و نخستین کنگره آن را در سال ۱۸۷۸م. به مدیریت ویکتور هوگو در پاریس و کنگره بعدی را در سال ۱۹۰۰ در همین شهر برگزار کرد. نخستین کتاب‌شناسی ادبیات تطبیقی هم به همت «لویی پل بتز» در ۱۸۹۷م. تهیه و به وسیله بالدنسپرژه در فرانسه منتشر شد. اکنون ادبیات تطبیقی با تاریخی حدوداً ۲۰۰ ساله در کنار نقد ادبی و تاریخ ادبیات در دانشگاه‌های دنیا تدریس می‌شود و به ابزاری برای شناخت ادبیات ملت‌های مختلف تبدیل شده‌است (Pope, ۲۰۰۶: ۳۵۱).

از نخستین صاحب نظران این حوزه در ایران، می توان دکتر فاطمه سیاح را نام برد. از دیگر کسانی که در این رشته فعالیت کرده اند، می توان از مجتبی مینوی، نخستین ادیب و منتقد ایرانی، یاد کرد که از طریق نقد تطبیقی به بررسی تاثیر ادبیات شرق به ویژه ادبیات فارسی بر ادبیات انگلیسی پرداخته است.

برخی پژوهش های تطبیقی و مقایسه ای که تا کنون با محوریت سعدی صورت پذیرفته است، عبارتند از:

۱. آستانه ای، مهدی. (۱۳۶۵). عقاید و آراء سعدی شیرازی و هوگوی فرانسوی، آینده، شماره ۱-۳، ص ۵۷-۶۲.

۲. الإدريسي، حسين (۱۳۸۱). المؤلف و المختلف في الأدبين: الفارسي و المغربي الأندلسي شعر العرفان أنموذجاً الشوشتري و السعدی الشيرازی، المنهاج شماره ۲۵، ۱۹۰ - ۲۳۵.

۳. جهانپور، فرهنگ (۱۳۶۴). سعدی و امرسن، ایران نامه «شماره ۱۲، ص ۶۹۰ - ۷۰۴.

۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۲۶). سعدی در اروپا، سخن، دوره سوم، ص ۵۷۲ - ۵۷۶.

۵. ستاری، جلال (۱۳۴۴). مقام سعدی در ادبیات فرانسه، مهر، شماره ۶، ص ۳۴۹ - ۳۵۲.

۶. شکروی، شادمان و صحتی، افسانه. (۱۳۸۵). هنر شروع داستان در حکایات سعدی و داستان های کوتاه غرب، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۷، ص ۳۷ - ۵۸.

۷. فکری ارشاد، جهانگیر (۱۳۵۶). تاثیر سعدی بر گوته، وحید، شماره ۲۲۵، ص ۴۲ - ۴۶.

۸. فیروزآبادی، سید سعید (۱۳۸۶). سعدی و گوته، ادبیات تطبیقی ش ۱، ص ۷۷-۸۴.

۹. محفوظ، حسنعلی (۱۳۳۶). متنبی و سعدی و ماخذ مضامین سعدی در ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. همایی، جلال الدین (۱۳۴۱). مقایسه مقامات حمیدی و عتبه الکتبه با گلستان سعدی، یغما، شماره ۱۶۸، ص ۱۴۵-۱۵۱.

## فرضیه‌های پژوهش

- ۱- گلستان سعدی و قصه‌های کنتربری از حیث قالب و محتوا دارای مشابهت می‌باشند.
- ۲- مقام ادبی چاسر در ادبیات انگلیسی قابل مقایسه با جایگاه سعدی در ادب فارسی است.
- ۳- جفری چاسر در نقل حکایات خود همچون سعدی مقاصد تعلیمی نیز داشته است.
- ۴- مشابهت‌های زندگی چاسر و سعدی در بوجود آوردن اثری مشابه تاثیرگذار بوده است.
- ۵- جفری چاسر در کتاب خود مانند سعدی تلمیحات مذهبی را مد نظر قرار داده است.

## اهداف پژوهش

- ۱- مقایسه و سنجش گلستان سعدی و قصه‌های کنتربری چاسر از نظر زیبایی‌شناسی ادبی.
- ۲- ارائه مشابهت‌ها و تفاوت‌های گلستان سعدی و قصه‌های کنتربری چاسر از نظر قالب و محتوا.
- ۳- بررسی احتمال تاثیر پذیری چاسر از سعدی.
- ۴- مشخص شدن این که دو نویسنده و شاعر برجسته در بستر دو جغرافیای کاملاً متفاوت اقلیمی و فرهنگی چگونه توانسته‌اند با برخورداری از مضامین مشترک انسانی و در قالب جهانی و محبوب حکایت نویسی به خلق شاهکارهای ادبی توفیق یابند.
- ۵- این پژوهش می‌تواند بر غنای تحقیقات تطبیقی معاصر بیفزاید و گامی در جهت شناخت بهتر و بیشتر این دو نویسنده و آثارشان باشد.

روش انجام پژوهش:

روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با مراجعه به کتاب صورت خواهد گرفت.

فصل دوم

کلیات پژوهش



## ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی به عنوان شاخه‌ای از نقد ادبی، از انعکاس ادبیات ملل و تاثیر آن‌ها بر یکدیگر سخن می‌گوید، که با هدف بررسی اشتراکات، تشابهات و تواردات ادبی که در ادبیات دو یا چند ملت صورت می‌گیرد که در نتیجه‌ی این مطالعات جنبه‌های تاریخی و سرمنشأ ایجاد اسطوره، افسانه و داستان‌ها در فولکلور و ادبیات ملل جهان مشخص می‌شود.

در کتاب‌ها و منابع مختلف، تعاریف گوناگونی از ادبیات تطبیقی صورت گرفته، که برخی از این تعاریف به شرح زیر هستند:

«۱- ادبیات تطبیقی یا ادب تطبیقی (Comparative literature) که در زبان عربی به آن ادب المقارن گویند، عبارت است از: پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبانهای مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد ادب در گذشته و حال، و به طور کلی، ارائه‌ی نقشی که پیوندهای تاریخی در تأثیر و تأثر داشته باشد؛ چه از جنبه‌های اصول فنی در انواع مکاتب ادبی، و چه از دیدگاه جریان‌های فکری، کار ادبیات تطبیقی فقط سنجش ادبیات دو ملت نیست، بلکه هدف آن بررسی پیوندهای ادبی میان ملت‌ها است. پژوهشگری که در این عرصه فعالیت می‌کند همانند کسی است که در مرز میان دو یا چند ملت می‌نشیند و داد و ستدهای ادبی - فرهنگی میان آنان را ثبت و بررسی می‌کند.

ادبیات تطبیقی، در کلیه‌ی زمینه‌هایی که در ارتباط با طبیعت موضوعات و مواضع اشخاص قرار می‌گیرد و صورت یک بیان ادبی پیدا می‌کند بحث می‌کند و به بررسی ساخت‌های هنری هر اثر و یافتن افکار جزئی در ایجاد یک اثر ادبی می‌پردازد. در ادبیات تطبیقی، انواع ادبی که مختص بعضی از ملت‌هاست و انعکاس آن را در ادبیات سایر ملل می‌بینیم، تحقیق می‌شود.» (غنیمی، ۱۳۸۲: ۳۲)

«۲- ادبیات تطبیقی به بررسی تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و روابط پیچیده آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر در حوزه‌های هنر، مکاتب ادبی، جریان‌های فکری، موضوع‌ها، افراد و... می‌پردازد.» (کفافی، ۱۳۸۲: ۷)

«۳- ادبیات تطبیقی، بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی با ادبیات دیگر زبان ها است: چگونه ادبیات یک کشور با ادبیات دیگر سرزمینها پیوستگی می یابد و بر یکدیگر تأثیر متقابل می نهند؟ ادبیات مزبور چه دریافت کرده و چه چیزهایی به عاریت می دهد؟ از این رو، ادبیات تطبیقی، بیانگر انتقال پدیده های ادبی از یک ملت به ادبیات دیگر ملت هاست. جابه جایی و انتقال گاهی در حوزه واژه ها و موضوعات است و زمانی در تصاویر و قالبهای مختلف بیانی چون قصیده، قطعه، رباعی، مثنوی، قصه، نمایشنامه، مقاله و... خودنمایی می کند. گاهی نیز در حوزه ی احساسات و عواطفی است که از نظر ادیبی به ادیب دیگر پیرامون یک موضوع انسانی منتقل می شود و او را متأثر می سازد. دیدگاه یک ادیب نیز می تواند به ادیبان دیگر سرزمین ها منتقل شده و آنان را به تقلید وادار نماید. مرز میان ادبیات یک کشور با ادبیات دیگر کشورها در قلمرو پژوهش های تطبیقی، زبان است. اختلاف زبان، شرط انجام پژوهش های تطبیقی در حوزه ی ادبیات است. آن دسته از آثار ادبی که به یک زبان نوشته می شوند در دایره ی بررسی های تطبیقی نمی گنجد، هرچند از یکدیگر متأثر باشند. مقایسه ی دو ادیب هم زبان نیز در حیطه ی ادبیات تطبیقی نمی گنجد.» (ندا، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۶)

«۴- ادبیات تطبیقی در واقع عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان و پژوهنده ای که به تحقیق در این رشته اشتغال دارد، مثل آن است که در سرحد قلمرو زبان قومی به کمین می نشیند تا تمام مبادلات و معاملات فکری و ادبی را که از آن سرحد بین آن قوم و اقوام دور و نزدیک دیگر روی می دهد، تحت نظارت و مراقبت خویش بگیرد و پیداست که حاصل تحقیق او با میزان دقت و مراقبتی که در این تحقیق به کار می بندد مناسب خواهد بود. بنابراین، شاید بتوان گفت که حاصل تحقیق در کیفیت تجلی و انعکاسی است که اثر ادبی قومی در ادب قوم دیگر پیدا می کند...» (زرین کوب، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۲۷)

۵- ایو شورل، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه سوربن فرانسه، در تعریف ادبیات تطبیقی می گوید: مطالعه و بررسی مقایسه ای آثاری که برخاسته از زمینه های فرهنگی متفاوتند. (شورل، ۱۳۸۶: ۲۵)

با ملاحظه‌ی تعاریف متعددی که از ادبیات تطبیقی صورت گرفته مشخص می‌گردد که اختلاف زبان مهم‌ترین خصوصیت در تعریف ادبیات تطبیقی است.

### عوامل موثر در انتقال ادبیات از زبانی به زبان دیگر

در انتقال ادبیات از زبانی به زبان دیگر دو دسته عوامل دخالت دارند:

«۱- آثار شاعر یا نویسنده: اگر صاحب قلمی برخی از آثار خود را به زبان بیگانه بنویسد، همین آثار را می‌توان دلیل قطعی بر اثر پذیری وی از زبان و ادبیات بیگانه برشمرد، مثل: اسکار وایلد، شاعر و نویسنده انگلیسی که نمایشنامه سالومه را به فرانسوی نگاشت و ولتر، نویسنده‌ی فرانسوی که رساله‌های خود را به انگلیسی می‌نوشت، همگی بیانگر این نوع تأثیر پذیری هستند. بررسی ترجمه‌ها و جستجو در چند و چون رواج آن‌ها نیز از جمله مقولاتی هستند که باید به آنها اشاره کرد.

۲- شاعران و نویسندگان (صاحبان آثار): مثلاً هنگام بررسی آثار شاتو بریان، نویسنده و خطیب فرانسوی، باید درباره زندگی او و نیز بازتاب‌های محیط انگلستان و محافل ادبی آن کشور در آثار او پژوهش‌هایی صورت بگیرد: یا هنگام بررسی ترجمه‌های عبدالله بن مقفع از شاهکارهای ادبیات فارسی، باید به زندگانی، گرایش‌ها و فرهنگ ایرانی وی و نیز عواملی که بر ترجمه‌های ادبی او تأثیر گذارده است، توجه کرد.» (آذر، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳)

### تفاوت مقایسه با تطبیق

مقایسه و تطبیق تفاوت زیادی با هم دارند که بارزترین آن جامع‌تر بودن تطبیق نسبت به مقایسه است، چنان که آورده‌اند:

«گاهی تعبیر مقایسه با تطبیق، مترادف تلقی می‌شود که سخت اشتباه است. ادبیات تطبیقی جامع‌تر و فراتر از مقایسه است. مقایسه در بستر نویسندگان و شاعران هم زبان در جریان است، به عنوان مثال در ادبیات عرب بارها می‌توان به مسأله مقایسه برخورد، چه در دوره جاهلیت و چه در دوره‌ی اسلام کار مقایسه میان شاعران به احتجاج شدید می‌کشید. مانند مهاجرت میان جریر و فرزددق. و یا در ادب معاصر

فرانسه مقایسه میان پاسکال و مونتینی که در این موارد از ادبیات تطبیقی بیرون است. چنین مقایسه‌هایی به ادب قومی محدود می‌شود و از ادبیات ملی فراتر نمی‌رود. مقایسه‌هایی که در محدوده‌ی ادبیات ملی انجام می‌شود، تنها نشان دهنده‌ی بالندگی و شکوفایی استعداد و موهبت نویسندگان هم‌نژاد نسبت به یکدیگر و بیان چگونگی ارتباط آنها با پیشینیان است.» (آذر، ۱۳۸۷: ۳۳)

از این مبحث چنین برداشت می‌شود که تطبیق فراتر از مرزها شکل می‌گیرد، اما مقایسه در محدوده‌ی مرزهای یک کشور بوجود می‌آید.

### موضوع ادبیات تطبیقی

کار ادبیات تطبیقی فقط سنجش ادبیات دو ملت نیست، بلکه هدف آن بررسی پیوندهای ادبی میان ملت‌ها است.

«تحقیق و پژوهش در تلاقی ادبیات ملل جهان است. از این تلاقی نحوه‌ی تأثیر و تأثرها، محدوده آنها، تغییراتی که به هنگام دادوستد در یک اثر به وجود می‌آید، چرایی آن تغییر، شیوه‌ی هجرت فکری از یک کشور به کشور دیگر مورد نظر است.»

برای روشن شدن موضوع یک مثال می‌آوریم: الیگری دانته برای شاهکار خود یعنی *کمدی الهی* از آثاری چون معراج نام‌های حضرت پیامبر (ص)، رساله الغفران ابوالعلاء معری، سیر العباد الی المعاد سنائی غزنوی، فتوحات مکّیه‌ی محی الدین عربی و ارداویراف نامه متأثر شده است. اینجاست که ادبیات تطبیقی باید تکلیف را روشن کند:

۱- دانته چگونه به منابع یاد شده دست یافته است؟

۲- چه عناصری از مضامین طرف مقابل را به عاریه گرفته است؟

۳- تا چه پایه تحت تأثیر آثار مسموع یا مکتوب قرار گرفته است؟

۴- آنچه مستقیم دریافت کرده کدام است؟

۵- آنچه غیر مستقیم از متون یا مفاهیم برگرفته مشخص شود.